

کلام خدا

کارم ترویج فرهنگ قرآنی است

طاهره بابایی می‌گوید: من برای عکاسی از یک جلسه خانگی محفل قرآن رفته بودم. خانمی که بانی مراسم و استاد قرآن است حدود ۹۰ سال دارد. زنی بسیار مهربان که به محض دیدنش از او خوششان می‌آید. برای بار اول رفته بودم و تادوربین رایبه دست گرفتم همه‌گارد گرفتند. من به محض ورود خودم را معرفی کردم که از خبرگزاری قرآن هستم و می‌دانستند که من برای پوشش تصویری مراسم دعوت شده‌ام. به من گفتند بنشین و سمت بلندگو نرو و سروصدا نکن که جلسه در حال ضبط شدن است. نشستم و به‌خاطر نوع برخورد‌ها ناراحت بودم. بعد از تمام شدن صحبت‌های خانم، گفتم کار من هم کمتر از کار شما نیست. حاج‌خانم گفت: عزیزم! بیا کنار من بلندگو را بگیر و همین را به بقیه هم بگو. گفتم شما قرآن می‌خوانید و من از قرآن خواندن شما عکاسی می‌کنم تا همه ببینند. این ترویج فرهنگ قرآن‌خوانی است. کم‌کم من را پذیرفتند و نمی‌گذاشتند بروم.



خمیه

بچه‌های هیأت به خانه ما آمدند

می‌پرسم از بین تمام روضه‌های خانگی که در آن‌ها شرکت کردید، کدام‌یک بیشتر به دل شما نشسته است؟ طاهره بابایی می‌گوید: بعضی وقت‌ها به جاهایی می‌رفتم و اتفاقات خوبی می‌افتاد. یکی از همکارانم روضه‌ای را سمت هلال احمر به من معرفی کرد. بانی روضه عمه ایشان بود و مرتباً از مجلس بیرون می‌رفت و برمی‌گشت. من دنبال ایشان رفتم و دیدم که به منزل پیرزن همسایه سر می‌زند. ظاهر! این پیرزن بعد از دوره‌ای که تروتمند بود تمام دارایی‌اش را از دست می‌دهد و در آن دوره با وجود این‌که زمینگیر بود و نیاز به مراقبت داشت. کسی را نداشت که به او سر بزند. آن روز نذری پخته بودند و با وجود این‌که بانی مراسم مهمان داشت و سرش شلوغ بود، او سهل همسایه‌اش را برد. ما روضه خانگی داشتیم و در خانواده ما این مراسم به‌طور مناسبتی برگزار می‌شود. من ۱۵ ساله بودم و پدرم هیأتی بود و بچه‌های هیأت برای روضه جا نداشتند و آن‌ها را به منزل آورد.



زیارت

آرزوی زیارت کربلا داشت



تهمینه رحمانی: دوسال پیش در منطقه بهاران بودیم و از روضه‌ای عکاسی کردم. بعد از اتمام روضه چند نفر از خانم‌های مجلس به من گفتند اگر ۱۰۰ متر داخل کوچه بروید روضه دیگری در حال برگزاری است. وقتی وارد شدم وسط مجلس بود، بنابراین به عنوان مستمع نشستم. فضا بسیار محقر بود. گوشه اتاق یک تخت بیمار بود و بیمار با وجود این‌که پنجاه‌وخرده‌ای سن داشت، آن قدر نحیف و کوچک بود که باید دقت می‌کردید تا لابه‌لای ملحفه‌های گلدار بیدایش کنید. من متأثر از فضاگوشه‌ای نشستم و مجلس که تمام شد شروع به صحبت کردم. بانی مجلس کارگر خانه و پرستار بیمار بود. چون به او محل زندگی و هزینه خورد و خوراک می‌دادند عمل‌آرمدی نداشت و عایدی‌اش حداقلی بود. ولی ۱۵ سال مداوم ۱۰ روز همانجا روضه برگزار کرده بود. وقتی درباره منبع هزینه روضه سؤال کردم، گفت: من کل سال همان درآمد حداقلی را برای ۱۰ روز روضه جمع می‌کنم. آرزویش رفتن به کربلا بود. ولی هم پولش را نداشت و هم اجازه ترک کار به او نمی‌دادند. من روز بعد در آن روضه عکاسی کردم. صاحبخانه او اجازه انتشار عکس‌ها را نداد. به دلم افتاد واسطه‌ای هستم و بی‌خود به در آن خانه ترفتم. ایشان را به دوستانی معرفی کردم و او همان سال اربعین به کربلا رفت.



پای صحبت تهمینه رحمانی و طاهره بابایی که دوربین‌شان را به روضه‌های خانگی برده‌اند

داستان مصور روضه‌های خانگی

نمایشگاه عکس «مجلس پرده‌نشینان؛ روایت‌هایی از روضه‌های خانگی» چند ماه پیش در حوزه هنری افتتاح شد. نمایشگاهی که گرچه ۵۲ عکس بیشتر نداشت، اما هر کدام‌شان شما را به انبوهی از داستان‌ها و روایت‌ها می‌برد. ورود به نمایشگاه با خودتان بود اما به راحتی نمی‌شد از آن خارج شد. به همین بهانه با تهمینه رحمانی و طاهره بابایی همکلام شدیم تا ریزه‌کاری‌های این پروژه هنری را جویا شویم.



منیمن رشیدی
 مهرزادی
 دبیر گروه هیأت

[۱] این ایده از کجا آمد؟ آیا عکس‌هایی که می‌گرفتید در فضای خبرگزاری‌ها کار می‌شد؟

تهمینه رحمانی: این اتفاق در سه سال اول رخ داد،

چون ما عکاس خبری بودیم و به دلیل بحث خبر وارد این فضا شده بودیم. ولی ذهنیتی داشتیم و می‌خواستیم کمک کنیم، چون روضه‌های خانگی بعد از کرونا دوباره احیا شد. رسانه، فضای مجازی و خبرگزاری‌ها دست به دست هم دادند تا این رونق اتفاق بیفتد. ما هم دوست داشتیم حلقه کوچکی از این زنجیر باشیم و به رونق گرفتن فضا کمک کنیم. من عکاس خبرگزاری فارس بودم و دو سال فارس این عکس‌ها را منتشر کرد و بازخورد زیادی داشت و چرخش عکس‌ها بالا بود. یک سال هم عکاس خبرگزاری مهر بودم و آنجا عکس‌ها را منتشر کردم. در سال ۱۴۰۲ احساس کردم آن وظیفه انجام شده و باید وارد مرحله دیگری بشوم. دیگر عکس‌ها را به خبرگزاری ندادیم و عکس‌ها را شیو شد. آن عکس‌ها جدید بودند و برای کتاب ماندند.

[۲] چرا قالب کتاب را انتخاب کردید؛ فکر می‌کنید مخاطب کتاب بیشتر از خبرگزاری یا نمایشگاه است؟

تهمینه رحمانی: ما در حال تجربه فضاهای متفاوت هستیم. در سه سال اول کرونا بحث این بود که ما حلقه‌ای از زنجیره‌ای باشیم که به این فضا رونق می‌دهد. برگزاری نمایشگاه فرصت دیگری به ما داد تا عکس‌ها با نگاهی تخصصی‌تر دیده شوند و نظرات فعالان این حوزه را بشنویم و با نقاط ضعف کارمان آشنا بشویم. در این مرحله بحث خبری کنار رفت و وجهه هنری برجسته شد. درحالی‌که این کار در سه سال اول برای ما دلی بود. ولی در سال چهارم وجهه حرفه‌ای کار مطرح شد. از این‌رو بازخورد‌هایی که از نمایشگاه می‌گرفتیم برای ادامه کار بسیار مهم بود.

پیش‌بینی من و خانم بابایی برای مرحله بعد، ماندگاری این آثار است. این پروژه‌ای بود که ما به لطف اهل بیت پنج سال برایش وقت گذاشتیم. برای این‌که آثار جامع و قابل ارائه باشند قالب کتاب را انتخاب کردیم، چون در خبرگزاری چهارچوب‌هایی وجود داشت که اجازه نمی‌داد برخی از عکس‌هایی که دوست داشتیم دیده شوند، منتشر شود. نمایشگاه هم چهارچوب‌ها و

نمایشگاه هم چهارچوب‌ها و

نمایشگاه هم چهارچوب‌ها و

نمایشگاه هم چهارچوب‌ها و

نمایشگاه هم چهارچوب‌ها و

نمایشگاه هم چهارچوب‌ها و

نمایشگاه هم چهارچوب‌ها و

نمایشگاه هم چهارچوب‌ها و

محدودیت‌هایی داشت.

از طرفی یکی از پیشنهادات استادان، عکس‌نوشته بود. بسیاری از عکس‌ها داستان‌هایی دارد که امکان انتشار آنها وجود نداشت. ولی مکتوب شدن آن روایت‌ها در کنار عکس می‌تواند تأثیرگذار باشد. بعد از حضور برخی اعضای شورای هنر در نمایشگاه، از طرف این گروه پیشنهاد شد برخی عکس‌ها در سطح شهر و به‌شکلی عمومی‌تر به نمایش گذاشته شود. امسال این پیشنهاد را گرفتیم، ولی احساس کردیم اگر تمرکزمان به‌سمت نمایش دیگری برود، کار عجله‌ای اجرا خواهد شد. سال‌های آینده اگر بتوانیم مکانی عمومی در سطح شهر برای نمایش عکس‌ها بگیریم کار جذابی ارائه خواهیم داد.

[۳] چطور همدیگر را پیدا کردید و به این پروژه پیوستید؟

طاهره بابایی: من عکاس خبرگزاری قرآن (ایکنا) هستم. هرکدام از ما به‌طور مستقل شروع کرده

بودیم. من قبل از این پروژه و پیش از دوران کرونا، از محرم سال ۹۸ کار عکاسی را با تمرکز بر بانین روضه‌های خانگی شروع کرده بودم. عکس‌ها به‌صورت پرتره در فضای خانه و روضه ثبت شده بودند و داستانی که پشت هر عکس بود به‌صورت کپشن نوشته می‌شد. عقیده داشتم کسی به بانیان این روضه‌های خانگی توجه نمی‌کند. این ایده من نبود ولی کار برای خبرگزاری انجام شد.

سال بعد به کرونا خوردیم و فضاتغییر کرد و به‌سختی می‌شد روضه‌های خانگی را پیدا کرد. در این مدت با خانم رحمانیان همراه شدیم، روضه‌ها را پیدا می‌کردیم و با هم برای عکاسی می‌رفتم.

[۴] چطور می‌شود روضه‌های خانگی را پیدا کرد؟

طاهره بابایی: یک سال قبل از کرونا وقتی برای عکاسی به خیابانی در مرکز یا جنوب شهر می‌رفتم، اکثر خانه‌ها در ماه محرم روضه داشتند. وقتی در خیابان راه می‌روید در خانه‌ها باز است. وارد روضه می‌شیدم، اجازه می‌گرفتیم و عکاسی می‌کردیم. در دوران کرونا شیوه برگزاری روضه‌ها تغییر کرد. اولین روضه‌ای که از آن عکاسی کردم، روضه‌ای خیابانی بود که توسط آقای متشرعی در باغ‌فیض برگزار شده بود. آن روضه خیابانی را در مسیر عکاسی پیدا کردم؛ مسیری که مختص روضه‌های خانگی بود ولی این بار مراسم در کوچه و دم در خانه برگزار می‌شد.

آقای متشرعی از سال ۱۳۹۹ و باکرونا کاملاً خودجوش استارت کارش را زده بود. دو سه زیلو داشت، یک

برش

چشم اسفندیار روضه‌ها

طاهره بابایی: برخی مواقع پیش می‌آمد نقطه‌ضعف‌هایی هم می‌دیدیم ولی عمیق نبود. در جاهایی ادیت می‌شدیم ولی به آنها هم حق می‌دادیم. گاهی با مسائلی روبه‌رو می‌شدم، ولی به‌عنوان یک عکاس که تا حدودی وارد فضای مستند شده به خود می‌گفتم که این جریان زندگی است و این فرد یا نگاه خود برخورد می‌کند. مثلاً در جایی از ورود کودکان مانعت می‌شود یا فردی بی‌حجاب را در این مراسم می‌دیدم، ولی من این صحنه‌ها را جزئی از زندگی آدم‌ها می‌دانم.

در هر جایی اتفاق جدیدی می‌دیدیم، من از کودکی به روضه می‌رفتم. در زمان دانشجویی کار من با روضه شروع شد. وقتی برای استادم کار می‌بردم از روضه بود. من در اسلامشهر زندگی می‌کردم و مراسم روضه را عمیق‌تر و بیشتر دیده بودم، ولی محرم امسال در گهواره چیزی دیدم که تا به حال ندیده بودم. پرسیدم این کاغذ‌ها که روی گهواره زده‌اید چیست؟ گفتند شماره خود را برای امام می‌نویسند! بسیاری از کسانی که با مذهب ما آشنایی ندارند نمی‌توانند بسیاری از مسائلی را که ما در روضه‌ها می‌بینیم درک کنند.

از این نظر نمی‌توانیم هر چیزی را که در روضه‌ها می‌بینیم باژو کنیم. مثلاً در سخنرانی‌ها متوجه می‌شویم خانم جلسه‌ای اطلاعات زیادی ندارد. روایتی بیان می‌شود که فقط از جایی شنیده و سند محکم ندارد.

می‌کردیم. ولی هیچ‌کس نمی‌دانست قرار است با چه روندی مواجه بشویم، کسی نمی‌دانست این روضه‌ها برگزار می‌شوند یا نه؟! آن سال هشتک روضه خانگی ترند شد و مورد استفاده بود؛ من بآن هشتک روضه‌های زیادی را پیدا کردم. می‌رفتم و خودم را معرفی می‌کردم و کارت می‌دادم و می‌خواستم تا من را از زمان برگزاری روضه بعدی مطلع کنند.

خانم بابایی از یک سال قبل تجربه داشت و می‌دانست برخی از مناطق جنوبی تهران مثل بهاران و فلاح جاهای پر روضه‌ای است و به‌قول ایشان می‌شد در کوچه‌ها قدم زد و روضه‌ها را پیدا کرد.

در این مناطق پیدا کردن روضه راحت است، ولی برقرار کردن ارتباط و ورود به‌شدت سخت‌تر از بقیه جاهای تهران است، چون بافت سنتی‌تر است. می‌شود به‌عنوان مستمع رفت و نشست ولی نمی‌شود عکس گرفت. برای حضور در این روضه‌ها باید واسطه‌ای وجود داشته باشد و بلدی شما را ضمانت کند تا اجازه عکاسی داده شود.

در این مناطق مدل عزاداری متفاوت است و آشنایی با رسانه کمتر است و ترس‌هایی از عکاس وجود دارد. در این مناطق جلسات بیشتر توسط خانم جلسه‌ای‌ها اداره می‌شود و کار سخت‌تر است، چون قانع کردن خانم جلسه‌ای سخت است. من ساکن مرکز تهران هستم و توانستم برخی از هیات‌های معروف و رسمی را ببینم. من بسیاری از انواع عزاداری

از جمله بلندکردن گهواره و... را ندیده بودم. از این رو مواجهه من با این سوزه در ابتدا با هیجان زدگی همراه بود. باید ابتدا با سوزه ارتباط برقرار می‌کردم و می‌دیدم چیست؟ و بعد عکاسی می‌کردم. این سیر برای من با جذابیت‌هایی همراه بود. من به‌خاطر گاردگرفتن به اهالی روضه حق می‌دادم. من زودتر به مراسم می‌رفتم و با آنها حرف می‌زدم.

ما در عکاسی مستند بختی داریم که نباید دوربین را قایم کرد. دوربین وسیله کار شما است. بگذارید چشم‌شان عادت کند. چهار تا عکس یادگاری بگیرید و خوش‌ویش کنید و از تجربه‌هایتان بگویید و اعتماد جلب کنید. با طی شدن این مسیر به مشکل نمی‌خوردم. در دو سال آخر رسانه در معرفی این‌کار آن قدر موفق بود که مردم آشنا شده بودند و من مشکلی نداشتم.

[۵] با توجه به حضورتان در تعداد بالای از روضه‌های خانگی، از این مراسم چه چیزی در ذهن شما رسوب کرده است؟



خمیه